

یادداشت

نگاهی به فیلم «شبی که ماه کامل شد»

معلق بین عشق و جنایت



حسین جهانی
روزنامه‌نگار

باشد، یک درام عاشقانه است که برای ساخت داستانی عاشقانه واقفیت‌ها را شکل دیگری روایت کرده است. فیلمی که به بخشی از زندگی عبدالحمید برادر عبدالملک ریگی می‌پردازد که عاشق و شیفته یک دختر تهرانی می‌شود اما در آخر او را در خواب با شلیک گلوله می‌کشد.

از همان ابتدای فیلم، نرگس آبیار سعی کرده از عبدالحمید چهره‌ای عاشق‌پیشه و اهل هنر نمایش دهد، جوانی که در مغازه لوازم آرایشی کار می‌کند، ساز محلی بلوچی می‌زند، صدای خوبی دارد، شعر می‌سراید و اتفاقا بسیار ناموس‌پرست هم است، اما در اواسط فیلم وبعد از مهاجرت به پاکستان، همین آدم که حالا محاسن خود را نیز بلند کرده، سر آدم‌ها را می‌برد! و مشخص نمی‌شود که چگونه آن آدم هنرمند و عاشق‌پیشه که هر بار به فائزه می‌گفت «جات تو قلب منه»، چگونه دیو درونش بیدار می‌شود، به چه دلیل تروریست می‌شود و در آخر همسر خود را می‌کشد.

در ابتدای نمایش فیلم، تماشاگران بر پرده سینما با جمله «داستان این فیلم واقعی است» مواجه می‌شوند و همین موضوع باعث می‌شود تا مخاطبان احساس کنند در ادامه فیلمی با داستانی واقعی تماشا می‌کنند، آن هم داستانی واقعی از یک مورد مهم امنیتی که حتی به برادرش عبدالملک زیاد پرداخته نشده، چه برسد به خود عبدالحمید. داستان فیلم این چنین روایت می‌شود که عبدالحمید پس از ازدواج ساکن تهران می‌شود و پس از تولد اولین فرزند و بعد از مدت‌ها دوری از خانواده، برای دیدارشان به زاهدان بر می‌گردد که برادرش سر سفره شام قاشق و چنگالی به سمت او برت می‌کند و با کنایه می‌گوید تهرانی با قاشق چنگال غذا بخور یا حتی از تیغ انتقاد برادرانش به نپوشیدن لباس محلی نیز در امان نیست. بررسی صحبت‌های خانم حسین دوست، مادر فائزه منصوروی اما روایت دیگری است: «عبدالحمید با عبدالملک در ارتباط بود و مالک از او خواسته بود فائزه را به زاهدان بیاورد. یک روز که از خانه بیرون آمدم، دیدم حمید و فائزه نیستند و حتی وسایل و لباس‌های فائزه و سند ازدواج‌شان هم نیست. ابتدا فکر کردم برای گردش به بیرون رفتند اما چون دیدم سند ازدواج هم نیست، خیلی نگران شدم.

۶ ماه از دخترم خبر نداشتیم، یک روز چند باری از زاهدان با منزل ما تماس گرفته می‌شد، اما کسی صحبت نمی‌کرد. من گفتم این فائزه است و پیرا آخر گفتم فائزه گوشه‌ای را قطع نکن و با من حرف بزن که صحبت کرد و گفت از زندگی‌اش راضی است.»

اما روایت فیلم چیز دیگری است؛ عبدالحمید در دوران ازدواج ارتباط زیادی با عبدالملک ندارد و اقدامات او را قبول ندارد به طوری که بعد از اینکه پس از چند ماه به زاهدان می‌رود و درست همان موقع ماموران امنیتی یکی از برادرانش را دستبند به دست به خانه می‌آورند و برادر محل اختفای اسلحه و مهمات را لو می‌دهد، برادر خود را به خاطر کارهایی که انجام داده به باد کتک و ناسزا می‌گیرد. از طرفی هم براساس داستان فیلم، عبدالحمید و همسرش اصلا برای زندگی به زاهدان نمی‌روند و پس از آن اتفاق، تصمیم به مهاجرت از ایران می‌گیرند و برای این کار به کشور پاکستان سفر می‌کنند و برای همین، هر دو با میل شخصی راهی این کشور می‌شوند. شاید آبیار بیشتر دوست داشته که درام عاشقانه بسازد تا اینکه روایتگر یک داستان واقعی باشد چراکه چهره‌ای که از عبدالحمید می‌سازد، گواه این مدعاست.

خانم آبیار بسیار علاقه داشته در این فیلم همه را شکست خورده دولت عشقی عبدالحمید معرفی کند که حتی در مقابل عشق آتشین او هیچ کس توان ایستادن را ندارد و برای رسیدن به هدف عاشقانه خود هر چه هست را از میان بر می‌دارد اما در نهایت گرفتار تفکر تکفیری می‌شود و عشق خود را از بین می‌برد. در پایان باید به این نکته اشاره کرد که فیلم «وقتی که ماه کامل شد» به لحاظ تولید و به نمایش گذاشتن چهره یک گروهک تروریستی و منحرف تمام‌عیار ظاهر شد و بی‌انصافی است اگر به این نقطه قوت اذعان نداشت.

به روایت آمار

آخرین آمار فروش و مخاطب فیلم‌های اکران عید فطر

«ما همه باهم هستیم»، «شبی که ماه کامل شد» و «سرخپوست» سه فیلم پر فروش اکران عید فطر هستند. این آمارها در حالی است که پایین‌ترین و بالاترین تعداد سالن سینمایی برای «شبی که ماه کامل شد»، بین ۸۶ تا ۱۱۵ سالن و برای «ما همه باهم هستیم» بین ۱۰۵ تا ۱۴۰ سالن و برای «سرخپوست» بین ۱۰۷ تا ۷۱۱ سالن سینمایی اختصاص داده شده است. آخرین آمار فروش و تعداد مخاطبان اکران عید فطر را در زیر ببینید.

نام فیلم	جمع فروش (تومان)	تعداد مخاطب
ما همه با هم هستیم	۶,۲۹۱,۲۷۸,۸۹۸	۵۵۴,۱۷۵
شبی که ماه کامل شد	۶,۲۵۸,۳۷۵,۶۳۹	۵۲۲,۹۹۴
سرخپوست	۵,۱۴۱,۹۷۷,۱۹۹	۳۷۹,۹۹۲
دختر شیطان	۶۱۵,۵۱۰,۰۹۹	۵۶,۱۱۰
زهرمار	۴۴۲,۲۳۴,۸۰۰	۳۱,۳۱۹

فرهنگ

وقتی سریال‌های تلویزیون به راحتی سانسور می‌شوند

کنترل تلویزیون دست چه کسی است؟



سید مهدی موسوی تبار
روزنامه‌نگار

حذف یک کلمه از سریال «گاندو» یا صداگذاری روی برخی کلمات این مجموعه، اولین نمونه‌های سانسور در تاریخ تلویزیون نبوده و به احتمال ۹۹ درصد آخرین‌شان هم نیست. فارغ از اینکه آیا به کار بردن کلمه «دولت» در ارتباط با پرونده جاسوسی در یک سریال در این شرایط هوشمندانه بوده یا خیر، سؤال اینجاست که این نوع برخوردها چه تاثیری بر نگاه کارگردان‌های جوان با حتی پیشگسوت در ساخت کارهای بعدی‌شان خواهد داشت و سؤال دیگر اینکه مگر در سازمان عریض و طویل صداوسیما، نظارت‌های مختلف در مراحل ساخت یک سریال وجود ندارد که مانع از بروز چنین حاشیه‌هایی شود؟

ماجرای گاندو

در انتهای قسمت دوازدهم این سریال و در بخش آنچه خواهید دید، دیالوگی پخش شد که در آن دومامور امنیتی با هم حرف می‌زنند. وحید رهبانی در نقش محمد در حال گزارش دادن به مافوق خود با بازی درپوش فرهنگ است و توضیح می‌دهد که طبق پروسه تحقیقاتی که دارند به سرخ‌هایی در مقامات بلندپایه کشور می‌رسند و می‌گویند: «از دوسه کانال داریم می‌رسیم به مقامات ارشد کشوری». فرهنگ، مافوقش می‌پرسد: «مثلا؟» که جواب می‌شوند «دولت» که این کلمه دولت در بازپخش حذف شد. همین کلمه در قسمت سیزدهم نیز حذف شد و روی برخی کلمات دیگر هم صدای دیگری گذاشتند. پس از این حاشیه‌ای که ایجاد شد کوروش کمرهای، مدیر روابط عمومی شبکه سه سیما در توضیح عنوان کرد: «موضوع اصلی در قسمت ۱۳ سریال «گاندو» دستگیری خواهرزاده یکی از مسئولان است، نه کلمه دولت!» اینکه در انتخاب و استفاده از کلمه دولت بدسلطی‌گی شده یا آگاهانه استفاده شده است حرفی نمی‌زنیم. اما شاید در بلندمدت، این رفتارهای غیرهوشمندانه باعث شود که پای سریال‌های مشابه «گاندو» که هم مخاطب دارد و هم دغدغه ملی از تلویزیون مملو از عشق‌های دم‌دستی قطع شود. باید با پیچیدگی و ظرافت حرف زد و البته حرف درست هم باید زده شود.

سرزمینی که هنوز نو نشده

«سرزمین کهن» مجموعه‌ای بود که در قالب سه فصل ۶۶ قسمتی ساخته شد و بعد از اصلاحاتی که روی فیلمنامه شده بود، در سال ۹۲ روی آنتن شبکه سه سیما رفت. پس از پخش فقط چهار قسمت از این مجموعه تلویزیونی، برخی اعتراضات قومیته به این سریال باعث توقف پخش آن شد. در سریال «سرزمین کهن» نقش یک خانواده منفی، نوکیسه، سلطنت‌طلب و فاسد به خانواده‌ای با نام بختیاری داده

شده که به آزار و اذیت یک خانواده روشنفکر، وطن‌پرست و مظلوم به نام اردکانی می‌پردازند. بعد از پخش این قسمت‌ها تعدادی از مردم ایل بختیاری در شهرهای مختلف استان خوزستان با حضور در مقابل صداوسیما مرکز خوزستان، نسبت به تحریف تاریخ در سریال شبکه سه سیما اعتراض کردند. اعتراضی که قدرتش چنان زیاد بود که هنوز هم این سریال نتوانسته خودش را در کندها کنور سیما قرار دهد. ضرغامی، مدیر وقت سازمان انواع و اقسام کارها را کرد تا صدای اعتراضات کم شود؛ از پوشیدن لباس بختیاری تا عدم پخش سریال با وجود هزینه‌های زیاد.

جسارتی که صداوسیما ندارد

صداوسیما به‌عنوان متولی ساخت و پخش سریال‌های تلویزیونی وقتی ساخت یک اثر را تایید می‌کند و آن را از فیلترهای مختلف نظارتی‌رمی کند باید تمام‌قد از آن حمایت کند و نگذارد که سیاسی کاری‌ها یا حتی جوسازی‌ها تاثیری در روند ساخت یا پخش یک اثر بگذارد. براساس آنچه در مقررات صداوسیما وجود دارد به‌طور خلاصه پنج مرحله نظارت بر برنامه‌های این سازمان را شاهد هستیم که خلاصه‌وار در ادامه می‌آید:

الف) قبل از تولید: در این مرحله ایده یا طرح یا نمایشنامه یا فیلمنامه می‌آید. مورد بررسی و نظارت قرار می‌گیرد. به عبارتی پیش از آغاز تولید، طرح آن باید به تصویب دفتر طرح و برنامه شبکه‌ها یا مراکز استانی یا شوراهای مشابه (مانند شورای تصویب

واکنش کارگردان «فیتله‌ها» به پخش برنامه کودک از «بی‌بی‌سی»



محمد مسلمی، کارگردان و بازیگر مجموعه برنامه‌های «عموهای فیتله‌های» در واکنش به راه‌اندازی بخش کودک در شبکه خبری «بی‌بی‌سی» به «مهر» گفت: «بچه‌ها همواره نیازمند خوراک فکری و روحی هستند و با توجه به اینکه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان وارد این میدان شده‌اند، ما نیاز بیشتری به تولید برنامه‌های کودک داریم. «ما می‌بینیم که دیگران روی بچه‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند و بچه‌ها در آینده از نظر دینی، پوشش، مد و سبک زندگی مسیرشان عوض خواهد شد. ما در مقابل انگار کسی کودکان را جدی نمی‌گیرد، همان‌گونه که شاهدیم از ۱۰۰ سریال تلویزیونی‌ای که ساخته می‌شود، حتی یک سریال هم فراخور حال کودکان و متناسب با بچه‌ها نیست!» وی ادامه داد: «صداوسیما به نوعی از نظر تولید کارهای ویژه کودکان در طول ۳۰ سال گذشته که من مشغول فعالیت هستم، بدترین روزهای خود را می‌گذراند و متقدم‌ما با این روند ظلم بزرگی را نسبت به کودکان مرتکب می‌شویم. مسلمی در پایان گفت: «ما می‌دانیم که اکنون برنامه کودک نداریم اما چرا کاری نمی‌کنیم و هر چند هم که حرف می‌زنیم، جرقه‌ای زده نمی‌شود. خود من به دلیل همه این مشکلات به شبکه نمایش خانگی آمدم و همین مسیر را ادامه می‌دهم چون به نظر می‌رسد در آن طرف فضایی نداریم.»

۱۵۰ شهید دفاع مقدس در تهران تشییع می‌شوند



همزمان با ایام شهادت امام جعفر صادق (ع) پیکراهی پاک ۱۵۰ شهید دفاع مقدس در چند استان کشور تشییع خواهند شد. سردار محمدرضا یزدی، رئیس ستاد اجرایی مراسم تشییع پیکراهی ۱۵۰ شهید دوران دفاع مقدس امروز صبح با اعلام این خبر در یک نشست خبری که در ساختمان ستاد مرکزی راهبان نور برگزار شد، گفت: «از این تعداد ۱۱۶ شهید گمنام و ۳۴ شهید شناسایی شده‌اند. وی یادآور شد: «مراسم وداع با این شهیدان، چهارشنبه پنجم تیرماه در موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بعد از نماز مغرب و عشا برگزار می‌شود. مراسم تشییع شهدا نیز پنجشنبه ۶ تیر از ساعت ۹ صبح با سخنرانی حجت‌الاسلام رئیسی، رئیس قوه قضائیه از مقابل دانشگاه تهران به سمت معراج‌الشهدای تهران برگزار خواهد شد. سردار یزدی اعلام کرد: «استان‌های اصفهان، قم، مرکزی، اردبیل، قزوین، گیلان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، خراسان‌رضوی، خراسان‌شمالی، خراسان‌جنوبی، هرمزگان، تهران، خوزستان، بوشهر و سمنان میزبان شهیدان خواهند بود.» شهدای تازه‌تفحص شده متعلق به عملیات‌های کربلای ۵، والفجر ۸، رمضان، محرم، مسلم بن عقیل، والفجر یک در فکه، تک‌دشمن در زبیدات، والفجر دو در پنجوبن و تک‌دشمن در عملیات بیت‌المقدس است. «به گفته وی، در چهار استان فقط شهدای گمنام تشییع خواهند شد. در هفت استان نیز شهیدان شناسایی شده متعلق به این استان‌ها مراسم تشییع را برگزار خواهند کرد.»

روایت رجایی از دیدار با رهبر انقلاب



محمد سرور رجایی، نویسنده کتاب «از دشت لیلی تا جزیره مجنون» در حاشیه دیدار با رهبر معظم انقلاب، این کتاب را تقدیم رهبر معظم انقلاب کرد و رهبر انقلاب به این شاعر فرمودند: «سلام مرا به بچه‌های افغانستان برسانید.» شب میلاد امام حسن مجتبی (ع) اهالی شعر و ادب با رهبر معظم انقلاب در حسینیه امام خمینی (ره) دیدار داشتند. یکی از اتفاقاتی که در حاشیه این دیدار معمول است، تلاش نویسندگان برای تقدیم اثرشان به محضر رهبر انقلاب است تا میهمان گفت‌وگویی کوتاه باشند. محمد سرور رجایی، نویسنده کتاب «از دشت لیلی تا جزیره مجنون» در حاشیه این دیدار، کنایش را تقدیم رهبر معظم انقلاب کرد. روایت گفت‌وگوی کوتاه این شاعر و نویسنده اهل افغانستان با رهبر انقلاب را از زبان خودش می‌خوانید: «وقتی کتاب را به ایشان دادم، گفتم: «این کتاب مجموعه‌ای از خاطرات رزمندگان افغانستانی دفاع مقدس است.» آقا فرمودند: «احسنت.» از من پرسیدند: «ساکن کجایی؟ گفتم تهران.» حضرت آقا همان طوری که کتاب را توری می‌کردند، در توضیح عکس شهید احمد رضا سعیدی گفتم: «این شهید ایرانی است که در افغانستان شهید شده و مزارش هم در افغانستان است.» ایشان پرسیدند: «چه وقت پیش شهید شده است؟» گفتم: «سال ۵۹ در زمان تهاجم شوروی به افغانستان.» به دقت به عکس‌های کتاب و متن کتاب نگاه کردند و در پایان فرمودند: «سلام را به بچه‌های افغانستان برسان. این کتاب را هم می‌خوانم.»

پزشکان می‌توانند باعث حذف یا سانسور برخی قسمت‌های مجموعه طنز «در حاشیه» بشوند؟ چه توهینی به پزشکان در متن یا مرحله ساخت در صداوسیما تایید شده بود؟ آستانه تحمل پزشکان پایین بود یا توان مقاومت مدیران تلویزیون؟ در زمانه‌ای که رسانه‌های دنیا با هر بهانه‌ای به دنبال جذب مخاطب هستند نباید بدون بهانه و دلیل منطقی، مخاطب را دلزده کنیم و شائبه نفوذ سازمان‌ها و افراد در دخالت بر آثار فرهنگی و هنری را قوی‌تر. «گاندو» با هر کیفیتی حرفی را می‌زند که مساله‌ای ملی است. بعضی حتی این سریال را با نمونه‌های خارجی‌اش مقایسه می‌کنند. نه دولت‌ها باید هر عنوان منفی را به خود بگیرند و نه سازمان صداوسیما باید با هر تماسی کوتاه بیاید. البته سازمان صداوسیما در برخی موارد مانند حذف برنامه ۹۰ که با مخالفت اکثر مردم همراه بود محکم و قوی عمل کرد و حداقل تاکنون پای حرفش با هر هزینه‌ای ایستاده است.

از آن سوچه کسی گفته است که اقوام و مقامات از هر خطایی میرا هستند؟ ممکن است جاسوس در هر دستگاهی وجود داشته باشد و ربطی به روسای جمهور هم ندارد. اما در نهایت هم صداوسیما باید پای امضاهاش بایستد و هم افراد مختلف، آستانه تحمل و تقدیری خود را بالاتر ببرند. نظارت پنج مرحله‌ای نباید دیگر به اصطلاح مولای درزش برود و حداقل توقع از مدیران سازمان صداوسیما این است که جوسازی‌های بعضی‌هیجانی نباید باعث شود که آنها نسبت به حق مخاطبان خود، سریع عقب‌نشینی کنند.

کدام کشورها آمارهای خیره‌کننده در کتابخوانی دارند؟



«سنیم» نوشت: «براساس آمار رسمی، از هر ۱۰ کانادایی، ۹ نفر در طول سال یک کتاب می‌خوانند. متوسط تعداد کتاب‌های خوانده شده به ازای هر نفر نیز ۱۷ جلد در سال عنوان شده است. نخستین گزینه انتخابی ۲۵ درصد از جمعیت کانادایی برای پرکردن اوقات فراغت‌شان، کتاب خواندن است. در سال ۲۰۰۵ کانادایی‌ها ۲/۵ میلیارد دلار صرف خرید کتاب و نشریات کردند. در این سال مجموع کل درآمد صنعت سینما در کانادا ۱/۳ میلیارد دلار بود. آمار کتابخوانی در ایالات متحده آمریکا نیز قابل توجه است. براساس آمارهای اعلام شده، سالانه بین ۶۰۰ هزار تا یک میلیون کتاب جدید در آمریکا منتشر می‌شود. در سال ۲۰۱۱ بیش از ۲۹ هزار فروشگاه کتاب و ۱۲۰ هزار باب از انواع کتابخانه در سراسر ایالات متحده فعال بوده‌اند. در این سال فروش کتاب، یک تجارت ۱۱ میلیارد دلاری در آمریکا بوده است. میزان مطالعه در کشورهای اروپایی نیز قابل توجه است. به‌عنوان نمونه، سوئد با جمعیت ۱۰ میلیون نفری، یک کتابخانه‌ملی، ۲۹۰ کتابخانه عمومی با هزار شعبه کوچک، ۴۰ کتابخانه دانشگاهی، سه هزار کتابخانه خیابانی و ۱۱۵ کتابخانه بیمارستانی دارد. از هر سه سوئدی، یک نفر عضو کتابخانه است. نوجوانان ۹ تا ۱۴ سال بیشترین بازدیدکنندگان کتابخانه‌ها هستند. بیشترین میزان مراجعه به کتابخانه‌ها برای دریافت کتاب در جهان متعلق به فنلاند است. هر فنلاندی سالانه ۲۰/۶۷ منبع از کتابخانه‌های این کشور به امانت می‌گیرد. ۷۵ درصد از بچه‌وزارت فرهنگ و هنر برای شاخه ادبیات، مستقیماً به نویسندگان و مترجمان تعلق می‌گیرد.